



جریان شناسی خستگی مسئولین در تاریخ معاصر انقلاب

ندادند و خداوند صابران را دوست دارد"^۱ این روند در دوران حکومت کوتاه امیر مؤمنین حضرت علی علیه السلام نیز وجود داشت و ریزش‌های ناشی از قدرت طلبی، خستگی از جنگ‌های داخلی و درگیری با منافقین و قاسطین و مارقین و ناکثین حاکی از همین واقعیت بوده است.

در حکومت امام حسن علیه السلام نیز که کار به جایی رسید که اکثریت سپاهیان حضرت بر اثر تهدید و تطمیع و یاداعی خستگی از جنگ‌های پیشین، عملاً خلیفه به حق مسلمین را رها کردند و یا به سمت معاویه متمایل شدند و یا خود را از

صحنه‌های سیاسی و نظامی جهان اسلام دور نگه داشتند. جریان خستگی بعد از حکومت پیامبر اکرم (ص)، حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام، بار دیگر در انقلاب اسلامی مردم ایران و در میان بعضی از مسئولین نیز دیده شده است به طوری که مقام معظم رهبری در بیانات اخیر خود می‌فرماید: ما با ایستادگی و حرکت درست، جامعه را هم تشویق می‌کنیم و البته باید بدانیم این حرکت ملت ایران با خستگی و بی‌حوصله‌گی برخی افراد دچار تزلزل و انحراف نمی‌شود؛ ... این راهی که با انقلاب اسلامی آغاز شده، ادامه پیدا خواهد کرد و شما دیدید کسانی که در جریان حرکت عمومی ملت، بار مسئولیت را بر زمین نهند فوراً جوان‌های با روحیه آن را بر داشتند و انشاء الله به منزل خواهند رساند.^۲

حال در این نوشتار به دنبال معرفی گوشه‌ای از مصادیق خستگی‌ها و کناره‌گیری‌های مسئولین و نخبگان سیاسی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون هستیم.

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از حوادث و وقایع اتفاق افتاده در صدر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام، به وضوح تکرار شده است، تکرار تاریخ دشمنی‌ها، نفاق‌ها، جنگ‌ها و ... که نه تنها انقلاب را از مسیر خود متوقف و یا منحرف نکرده است بلکه بر استحکام انقلاب اسلامی افزوده است.

در کنار تمام این حوادث، همراهی نکردن و کناره‌گیری یا به تعبیری خستگی خواص و نخبگان سیاسی از ادامه راه، یکی از مسائلی بوده که همواره مورد تذکر رهبران حکومت اسلامی قرار گرفته است.

در دوران امامت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، بسیار بودند کسانی که از غریبال ریزش افتادند ولی اسلام به پیش رفت و بخاطر آن ریزش‌ها متوقف نشد.

این ریزش‌ها مربوط به کسانی بود که از جنگ‌های پیامبر (ص) خسته شده بودند و از جنگ فرار می‌کردند، همین فراریان و خسته‌گان از جنگ با دشمن در زمان پیامبر (ص) متأسفانه در حکومت خلیفه اول پست و مقام و مسئولیت گرفتند (خصوصاً فراریان جنگ احد و حنین)^۱ به نحوی که بعد از اتمام جنگ احد، خداوند در مذمت سستی و ترس بعضی از افراد سپاه اسلام، با یادآوری عدم سستی مؤمنین واقعی، خطاب به سست‌عصران می‌فرماید: "كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران - ۱۴۶)" - " و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگیدند، پس در مقابل آنچه به آنها در راه خدا رسید سست و ناتوان نشدند و خضوع و تسلیم نشان



●●● استعفای اولین وزیر سپاه در زمان جنگ

در روز ۲۷ خرداد ۱۳۵۹ عباس آقازمانی معروف به «ابوشریف» فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار استعفانامه‌ای از سمت خود استعفا داد.

ابوشریف که از بدو تشکیل سپاه به عنوان فرمانده عملیاتی خدمت می‌کرد، در سوم خردادماه ۵۹ از سوی رئیس‌جمهوری و فرماندهی وقت کل نیروهای مسلح به عنوان فرمانده این نهاد منصوب شد اما کمتر از یک ماه بعد به دلیل آنچه «انحصارطلبی‌ها، گروه‌گرایی‌ها و گرایش‌های موجود» می‌خوانند، از این سمت کناره‌گیری کرد.

آنچه بعداً در اظهارات مختلف درباره استعفای ابوشریف از فرماندهی سپاه منتشر شد، حاکی از وجود اختلافاتی میان ابوشریف با بنی‌صدر و همچنین اختلاف در میان فرماندهان سپاه بوده است، لکن با وجود تمام اختلافات، ابوشریف از سمت خود استعفا داد و بعد از چند وقت به پاکستان رفت و تا سال ۱۳۹۰ در پاکستان اقامت داشت.

به نظر می‌رسد بازگشت وی بعد از سال‌ها دوری از کشور، نشان از ورود دوباره ابوشریف به عرصه‌های سیاسی و نظامی است تا بتواند با تجارب کسب کرده در طول این مدت، وظیفه خود به پیشرفت انقلاب و کشور انجام دهد، انشا الله.





روزنامه جمهوری اسلامی ایران - خبر نخست وزیری بازرگان



■ تنفيذ حکم نخست وزیری بازرگان

●●● استعفای دولت موقت، اولین مصداق

خستگی و بی حوصلگی مسئولین

یکی از مهم ترین حوادث پس از ورود امام خمینی (ره) به ایران، انتخاب مهندس مهدی بازرگان به عنوان رئیس دولت موقت بود؛ در پی جلسه اعضای شورای انقلاب به پیشنهاد اعضا و موافقت حضرت امام (ره)، مهندس بازرگان، رهبر ملی گرایان و نهضت آزادی، به ریاست دولت موقت انقلاب اسلامی انتخاب شد و مامور تشکیل کابینه گردید.

اگرچه در طول دوره موقت، دولت موقت مشکلاتی برای کشور بوجود آمد لکن مسئله مهم، خستگی و سست عنصری و ضعف دولت بازرگان بود به حدی که این دولت چندین بار برای توجیه ضعف های خود اقدام به استعفا کرده بود و بنابر اظهارات "هاشم صباغیان" وزیر کشور دولت موقت، امام خمینی (ره) سه بار مانع از استعفای دولت موقت شده بود، لکن دولت موقت در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی، به صورت جمعی استعفا دادند و امام (ره) نیز استعفای آنها را پذیرفته و زمینه را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده کردند.

محمدباقر ذوالقدر و جناح چپ سازمان که متشکل از افرادی همچون بهزاد نبوی، محسن آرمن، هاشم آغاچری، مصطفی تاج زاده و ... می‌شدند، بوجود آمد که با رسیدن اعضای سازمان به خدمت حضرت امام خمینی (ره)، امام با خواسته‌های اعضا مبنی بر تغییر وظیفه آقای راستی کاشانی مخالفت کردند و به آنها فرمودند: خیر، من آقای راستی را عوض نمی‌کنم؛ تا ایشان اعراض نکرده باشند عوض نمی‌کنم. نگفته‌اند که من وقت ندارم، ایشان مرد فاضل و مهدبی هستند، پس می‌گویم شما هم بگویند ایشان فعالتر برخورد کنند.^۴

لکن جناح چپ سازمان با محوریت آقای بهزاد نبوی بعد از نظر امام خمینی (ره) مبنی بر مصلحت نبودن تغییر آیت‌الله راستی کاشانی به مخالفت علنی با نماینده امام پرداختند و در آخر استعفا دادند.

این استعفا در حالی صورت می‌پذیرد که بهزاد نبوی، چهره شاخص این سازمان، در حاشیه ملاقات ستاد بسیج اقتصادی با حضرت امام رحمه الله مسئله سازمان را مطرح نموده و از امام رحمه الله کسب تکلیف کرده بودند و امام رحمه الله همچون گذشته می‌فرمایند: «من به هیچ وجه آقای راستی را عوض نمی‌کنم. بروید با ایشان مسئله را حل کنید»^۵

●●● جناح چپ، سرمدار اولین مخالفین حزبی مخالفت با حکم امام خمینی (ره) در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

از دیگر مصادیق خستگی و شانه خالی کردن از وظائف در تاریخ معاصر انقلاب اسلامی آن هم مقابل حکم ولی فقیه، ماجرای استعفای دسته جمعی جناح چپ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است.

ماجرا از آنجایی شروع می‌شود که میان اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در همان اوائل تشکیل، بر سر موضوعاتی از قبیل بیانیه دادن برای روز کارگر و یا دکتر شریعتی اختلافاتی دیده می‌شود و اعضاء برای حل اختلاف خود از امام خمینی (ره) درخواست انتصاب نماینده رهبری می‌کنند که امام نیز شهید مطهری و آیت الله حسین راستی کاشانی را به عنوان دو نماینده خود در این سازمان منصوب می‌کند که عملاً بعد از شهادت استاد مطهری، آیت‌الله راستی کاشانی نماینده تام‌الاختیار امام در این سازمان محسوب می‌شود.

بعد از مدت کوتاهی با وجود نماینده امام در سازمان اختلاف بین اعضاء ادامه یافت، اما اینبار اختلاف بر سر حدود اختیارات نماینده امام میان جناح راست متشکل از آقایان حسین فدایی، محسن رضایی،



■ شیخ یوسف صانعی

●●● استعفای دادستان کل کشور به

دلیل مخالفت دیگران با وی

یکی دیگر از مصداق‌های خستگی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، استعفای شیخ یوسف صانعی از مقام دادستانی کل کشور است.

البته ایشان یکبار در تاریخ ۲۱ اردیبهشت سال ۶۴، استعفای خود را تقدیم امام خمینی (ره) می‌کند که ایشان نیز در جواب استعفای صانعی می‌نویسند: در شرایط فعلی موافقت نمی‌شود. به کار خودتان ادامه دهید؛ صانعی موارد فوق را به عنوان دلایل استعفای خود در نامه مورخ ۲۱ اردیبهشت ۶۴ مطرح کرده بود: «ضعف نیروی جسمی به خاطر پنج سال کار مداوم در دادستانی کل، عدم پذیرش و تحمل نظارت بر حسن اجرای قانون از ناحیه گروه‌ها و باندها، داشتن افکار و مبانی در مسائل اسلامی که بنابر نظرات برخی از آقایان، آرای "شاذ" محسوب شده و مقاومت می‌شود و نیز کم‌لطفی برخی از مقامات و جامعه در مورد پشتیبانی از دادستانی...»

رهبر جدید شیعیان پاکستان دولت
این کشور رابه اعمال در تحقیقات
پیرامون عاملین شهادت علامه
عارف حسینی منتهم کرد

مجلس شورا، ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷ - ۱۹ خرداد ۱۳۶۷
جمهوری اسلامی
شماره ۲۰۰ روزانه

سعدون حمادی وزیر
مشاور در امور خارجی
رژیم عراق عازم آمریکا شد

امام خمینی طی پیامی شهادت علامه عارف حسن حسینی را به علماء و مردم پاکستان تسلیت گفتند

امروز، روز آرماده باش همه دشمنان اسلام است باید فریب شرق و غرب را شناخت و خنثی نمود

امام
امت

به همه پران و هوامران مسلمانان خود
پاکستان شهادت جنید به ایران اسلامی برادر
شما و به جوانان پاری کین و سنگر و سنگر
فرمانده، استقلال، عرب و امیر اسلامی کان
دعای خود خوانند

• وظیفه همه علماءست که با روشن
کبریا در تفکر اسلام آمریکایی و
اسلام ناب محمدی، اصلاح عزیز را
از آزادی شرق و غرب نجات دهند

طرح نهمین
خسارات
نمایش از کار
کشتاوران در
مناطق جنگ
زده ابلاغ شد

• ملتبان مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ایرگندرها با خود
بگذراند مگر اینکه خلاف همین و عملی آنرا مشاهده و لمس و باور نمایند

• هفته نامه آرزو: آمریکا وانگس
در زمینه درمان زخمهای ناشی از
سلاحهای شیمیایی باید هرچه زودتر
به کمک ترکیه بشتاند

• مراسم بزرگداشت سالگرد
شهادت آیت الله موسوی در
تهران و قم برگزار شد

بزرگان ترکیه تائید کردند که رژیم عراق از
سلاح شیمیایی علیه کردها استفاده کرده است

• در حالی که
نخست وزیر
انجمن اسلامی
سایا
خواستار
پاکسازی این
سفرکت از
بذای پایند
مدیر عامل
سابق شد

ایستاد بنده اجسرای
عبدالکام می اندیشد
بسی نظام من فرحم
و گذشته ۱۵ ساله من زده است و در راه
ایستاد بنده کوشش می کند تا در این
مردمانی و من است ۱۵ ساله من در راه
فرمانده و مبارزه و در راه آزادی و عدالت
استاد بنده کوشش می کند تا در این
فرمانده و مبارزه و در راه آزادی و عدالت
ایستاد بنده کوشش می کند تا در این

مهندس موسوی استعفاء داد

• دولت مهندس موسوی تا
تعیین نخست وزیر جدید
بکار خود ادامه خواهد داد

• دو شماره جدید فیش دریافت
سکه بهار آزادی اعلام شد

معظم رهبری در جواب استعفای میر حسین موسوی
به آن اشاره می کند.

امام خمینی نیز بعد از اطلاع از خبر استعفای ایشان
با ابراز تعجب، نامه ای هشدار آمیز علیه میر حسین
موسوی انتشار می -دهد.

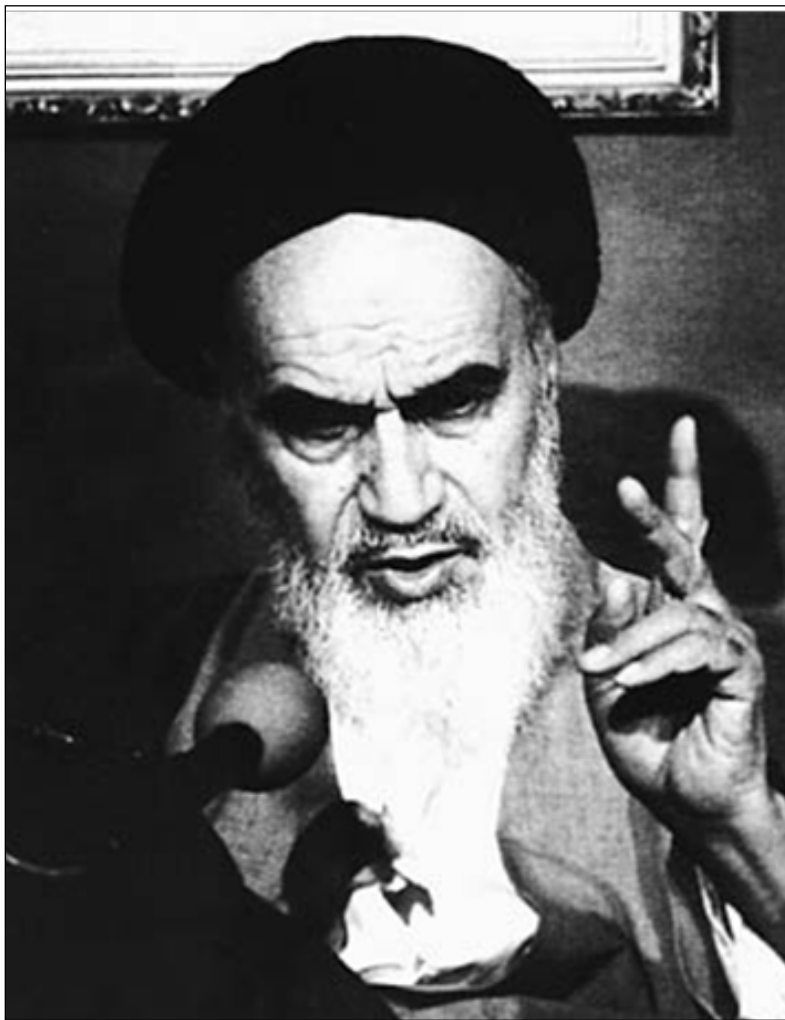
امام خمینی در نامه عتاب آمیز خود به میر حسین
موسوی می فرماید: نامه: استعفای شما باعث تعجب
شد. حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید،
لااقل من و یا مسئولین رده بالای نظام را در جریان
می گذاشتید. در زمانی که مردم حزب الله برای یاری
اسلام، فرزندان خود را به قربانگاه می برند چه وقت
گله و استعفا است. شما در سنگر نخست وزیری
در چارچوب اسلام و قانون اساسی به خدمت خود
ادامه دهید ... همه باید به خدا پناه ببریم و در مواقع
عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از
آن سوء استفاده کنند. مردم ما از این گونه مسائل در
طول انقلاب زیاد دیده اند. این حرکات هیچ تأثیری
در خطوط اصیل و اساسی انقلاب اسلامی ایران
نخواهد داشت.

●●● استعفای میر حسین موسوی و

خشم امام خمینی از این اقدام نابجا

سال پایانی جنگ بود و اکثریت مردم صبح و شب
پیگیر اخبار جبهه های جنوب و غرب بودند. اما
مسلماً اخبار جنگ تمام آنچه در ایران می گذشت
را منعکس نمی کرد. در درون کابینه اختلافاتی بود
که هر از چندگاه به مطبوعات کشیده می شد اما به
واسطه درگیری کشور در جبهه و جنگ، کمتر به آن
پرداخته می شد؛ همان زمان در روابط میان مجلس و
نخست وزیر چالش هایی به میان آمده بود که گویی با
گفت و گو و جلسات حل اختلاف برطرف نمی شد.
صبح روز ۱۵ شهریور سال ۶۷، مردم با دیدن خبر
استعفای میر حسین موسوی با تیر درشت در روزنامه
جمهوری اسلامی حیرت زده شدند.

اگر چه میر حسین موسوی در نامه استعفای خود به
رئیس جمهور وقت، دلایلی را ذکر کرده است که به
نظر می رسد از بهانه ای بیش برای استعفا نبوده است
زیرا اختلاف میان مجلس، رئیس جمهور و نخست
وزیر امر تازه و غیر قابل حلی نبوده است که مقام



میرحسین موسوی از سیاست خارجی است و در آخر نامه نیز ذکر می کند: در خاتمه لازم می دانم بار دیگر یادآور شوم که این استعفا، العیاذ بالله، به معنای قهر اینجانب از نظام و دولت جمهوری اسلامی و مسئولین انقلابی آن نیست که اگر هم بود، با توجه به عظمت انقلاب و ناچیزی اینجانب، یقیناً نمی توانست هیچ تاثیری در روند رشد و توسعه انقلاب اسلامی داشته باشد.

نکته قابل توجه این است که بنابر اسناد، میرحسین موسوی تنها همان یکبار اقدام به استعفا نکرده اند بلکه چندبار دیگر هم اقدام به استعفا از نخست وزیری کرده بودند که با مخالفت امام خمینی (ره) روبرو می شوند.^۷

چندی بعد، سندی منتشر شد مبنی بر اینکه میرحسین موسوی، پیوست دلایل استعفای خود را علنی نکرده است، آنچه در این سند قابل توجه است، ناراحتی

در آمد. وی در سال‌های بعد عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی، نمایندگی مردم قم در دوره دوم مجلس شورای اسلامی و نمایندگی دوره‌های اول و دوم مجلس خبرگان رهبری را در کارنامه سیاسی خود ثبت کرد. وی همچنین از افرادی بود که در تاسیس روزنامه رسالت مشارکت کرد. رسالت تنها روزنامه منتقد دولت در دوران جنگ هشت ساله به شمار می‌آمد.

ایشان در اوایل دهه هفتاد، بواسطه مسائلی از قبیل تغییرات مدیریتی در بنیاد رسالت (روزنامه رسالت) به تدریج از عرصه سیاسی خارج شد تا جایی که در اواخر عمر نسبتاً در انزوای کامل قرار گرفت، ایشان همچنین مخالفت‌ها و انتقادهای غیر واقعی علیه مسئولان مختلف نظام ابراز داشته‌اند.



●●● روزی که آیت‌الله آذری قمی استعفای خود را از دادستانی تهران اعلام کرد

در روز ۲۴ شهریور ۱۳۵۸ آیت‌الله احمد آذری قمی، دادستان انقلاب اسلامی مرکز از سمت خود استعفا داد. آذری قمی همان روز در یک مصاحبه مطبوعاتی که در محل زندان اوین برگزار شد با تأیید خبر استعفایش دلیل آن را بیماری و ابتلا به مرض قند، فشار کاری و کارشکنی‌ها و اختلال برخی افراد در دادرسی اعلام کرد و گفت: استعفای شفاهی خود را به امام داده‌ام!!!

دادستان تهران در جواب سوال یکی از خبرنگاران در مورد استعفای خود گفت: در اثر فشار کار زندانیان که قبلاً سه هزار نفر بودند و فشار افرادی هم که در دادرسی بودند که اختلال می‌کردند و الان هم هستند، که حتی بعضی از آن‌ها می‌خواهند مقام دادستانی را بگیرند و مسائلی نظیر این‌ها باعث شد که فشار خونم پایین بیاید و مبتلا به مرض قند شده‌ام و به همین علت از مدت‌ها قبل توسط دوستانم به امام عرض کردم که بیماری من شدت یافته، دیگر نمی‌توانم کار کنم و چندی پیش هم توسط یکی از اعضای شورای انقلاب به امام پیغام دادم. یعنی توسط آن‌ها زمینه را آماده کرده‌ام که ایشان خیال نکنند نمی‌خواهم کار کنم و امام هم فرموده بودند که اگر به این صورت است و ایشان کسالت دارد استعفای ایشان اشکال شرعی ندارد و ممکن است که فرد دیگری بیاید و امور دادستانی را اداره کند.^۸

در پی استعفای آیت‌الله آذری قمی چندی بعد میرشمس شهبهانی به سمت دادستان تهران منصوب شد. آیت‌الله آذری قمی نیز بعد از فراغت از مسئولیت دادستانی، به عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی



■ مهدوی کروی



■ موسوی میرحسینی

رهبری، از این مسئولیت استعفا داده اند و آقای رفیق دوست به جای ایشان در این منصب قرار گرفتند.^۹ از دیگر چهره‌ها می‌توانیم به کناره‌گیری مهدی کروی از سمت خود به عنوان نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید نام ببریم، مقام معظم رهبری بعد از کروی، حجت الاسلام رحیمیان را در سال ۷۱ به این سمت منصوب کردند.

کروی در خاطرات خود درباره خارج شدن از فضای سیاسی کشور می‌گوید: پس از رفتار بی سابقه شورای نگهبان در انتخابات مجلس چهارم، ترجیح دادم که چند سال از حضور مستقیم در عرصه‌های سیاسی خودداری کنم. اگر چه در برخی از مناسبت‌ها و حوادث مانند دستگیری آقای عباس عبدی در سال ۷۲ ناچار به موضع‌گیری صریح شدم؛ اما به همراه دوستان و همفکران به این نتیجه رسیدیم که مدتی از دخالت مستقیم در امور سیاسی خودداری کنیم تا کشور مدتی به صورت یکپارچه در اختیار دوستانی باشد که در مجلس و دولت هم عقیده بودند!!!^{۱۰}

●●● استعفا و کناره‌گیری اکثریت جریان چپ بعد از رحلت امام از مناصب حکومتی

از دیگر مصادیق خستگی و کناره‌کشیدن از مناصب حکومتی، خارج شدن، کناره‌کشیدن و حتی قهر بسیاری از چهره‌های شاخص جریان چپ و یا نوعی حامیان و اعضای جامعه روحانیون مبارز بعد از رحلت امام خمینی (ره) بوده است.

به عنوان مثال کناره‌گیری موسوی خوینی‌ها از مقام مشاور رهبری بعد از انتصاب ایشان به این سمت و قرار گرفتن در مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری که بوسیله آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۶۸ تأسیس شد، اشاره کرد.

و یا به استعفای میرحسین موسوی از مدیریت سازمان بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و یا همان بنیاد جانبازان نیز اشاره کرد که بنابر اقوال، میرحسین موسوی به دلیل ناراحتی از حکم سه‌ساله مقام معظم



کناره‌گیری سید علی اکبر پرورش از مناصب دولتی و سیاسی

یکی از مصادیق خستگی، در کنار استعفا و یا قهر مسؤلان، کنار کشیدن و گوشه نشینی نخبگان سیاسی از تمام فعالیت‌ها است، حال اینکه نیت اشخاص از کناره‌گیری مثبت یا منفی باشد، این شکل از رفتار نیز به نوعی از مصادیق خستگی در نظام محسوب می‌شود.

از جمله این مصادیق می‌توانیم به کناره‌گیری سید علی اکبر پرورش، وزیر آموزش و پرورش در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران نام ببریم. ایشان سه دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بوده‌اند و تا سال ۸۰ نیز عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه و حتی قام مقام این حزب بودند، لکن با توجه به شخصیت مؤثر پرورش، ایشان در دهه هشتاد عملاً از صحنه سیاسی کشور کنار رفتند.



■ خلخالی در کنار امام خمینی (ره)



■ خلخالی در اواخر عمر

●●● انزوای صادق خلخالی بعد از رحلت امام خمینی (ره)

شیخ صادق خلخالی از پراوازه ترین چهره‌های انقلاب اسلامی، کسی که ساخته شده بود تا با برده شدن اسمش تمامی متهمین در زندان و خلافکاران بیرون زندان در دهه شصت، به لرزه بیفتند، بعد از رحلت امام خمینی (ره) به مانند دیگر روحانیون و نخبگان سیاسی چپ، وارد زندگی منزوی گونه خود شد.

وی بعد از انتصاب خود از سوی امام خمینی (ره) به عنوان حاکم شرع، بسیاری از متهمین در دادگاه انقلاب اعم از سیاسی و غیر سیاسی (قاچاقچیان مواد مخدر) را به اعدام محکوم کرده و خود نیز احکام را اجرا می کرد.

خلخالی بعد از رحلت امام خمینی (ره)، به تدریج به سمت انزوای سیاسی و کناره گیری از مناصب حکومتی کشیده شد.

بعد از رد صلاحیت وی در انتخابات مجلس شورای اسلامی چهارم و همچنین انتقاد وی به عملکرد شورای نگهبان در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ایشان به طور کلی از صحنه سیاست کنار رفته و برای ادامه تحصیلات حوزی به قم سفر کرد.



●●● استعفای سید محمد خاتمی از ارشاد به دلیل انتقاد از وی

استعفای سید محمد خاتمی در سوم خرداد ۱۳۷۱ از سمت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خارج شدن از کابینه دولت اول حجت الاسلام هاشمی هزینه‌های زیادی را بر دولت وارد کرد؛ با توجه به منش محمد خاتمی در دوره تصدی ریاست جمهوری، امروزه برای بسیاری این پرسش طرح می‌شود که فردی که ۵ سال بعد برابر انتقادات تا واپسین روز در پاستور باقی مانده چه شرایطی را در ابتدای دهه هفتاد تجربه کرد که دو سال مانده به پایان دوره دولت با همکاران خود وداع کرد و به گوشه دنج کتابخانه ملی رهسپار شد.

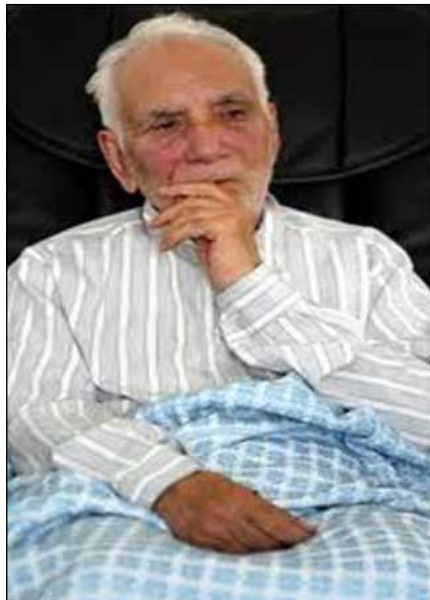
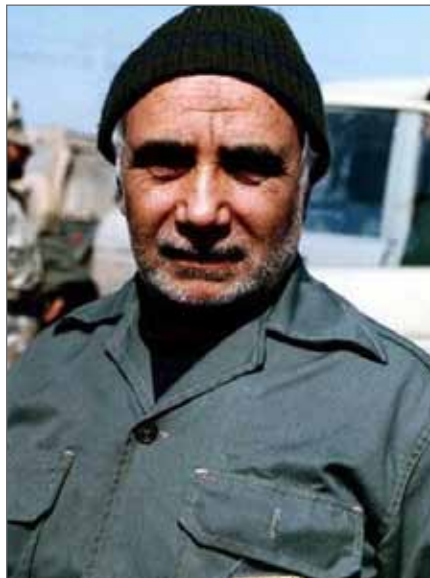
بنابر اظهارات مطلعین همچون موسوی لاری، با شروع به کار مجلس چهارم، عملاً جناح چپ قدر اصلی خود یعنی مجلس شورای اسلامی سوم را از دست داده بود و محمد خاتمی نیز با تفکرات کلی مجلس چهارم و رونامه‌های همچون کیهان و رسالت

چالش‌های بسیاری داشت.

خاتمی بعد از انتقادات به شیوه عملکرد وی در وزارت فرهنگ و ارشاد، در متن استعفای خود نوشت: حال که مسئولان بزرگواری که بیش از من باید مدافع کلیت نظام و اهداف والا و سیاست‌های آن باشند، تهدیدهای اخیر را در ساحت اندیشه و فرهنگ جدی نگرفته یا به هر دلیل و ملاحظه‌ای در برابر آن سکوت کردند و همین امر سبب تجری بیشتر کج اندیشان و بدخواهان شده است، بهتر است سکنداران امر فرهنگ و هنر و اطلاع‌رسانی در صحنه اجرا را نیز کسانی به عهده بگیرند که شخصیت و باورشان با آنچه در این صحنه جاری است، ناسازگار نباشد یا دست کم راضی و قادر به انجام کار در شرایط فعلی باشند.

از سوی دیگر، عدم حمایت همه جانبه هاشمی رفسنجانی از ماندن خاتمی در وزارت ارشاد، یکی دیگر از دلایل خاتمی برای استعفا از این وزارت به حساب می‌آید.

■ فخرالدین حجازی در جنبه جنگ



■ فخرالدین حجازی در اواخر عمر

●●● خطبه های آتشین فخرالدین حجازی و انزوا طلبی وی در دهه دوم انقلاب

فخرالدین حجازی منتخب اول (بیش از یک میلیون و نیم رأی) نخستین مجلس شورای اسلامی از حوزه تهران بود. وی که بعدها نمایندگی در دوره های دوم و سوم مجلس را نیز در کارنامه خود ثبت کرد، از سخنرانان مذهبی فعال قبل از انقلاب بود که سخنرانی هایش در حسینه ارشاد تهران به واسطه لحن تند و آتشین او علیه شرایط سیاسی و اجتماعی آن روزگار مورد اقبال مردم قرار می گرفت. او که سابقه زندان در دوران پهلوی را نیز در کارنامه داشت، در دهه اول انقلاب همچنان از چهره های خبرساز بود و سخنرانی هایش پیش از خطبه های نماز جمعه تهران مورد توجه قرار می گرفت.

فخرالدین حجازی نه تنها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بلکه بعد از آن و در دوران دفاع مقدس با نطق های پیش از دستور خود در مجلس، سهم بسزایی در ادبیات دفاع مقدس دارد.

برخی معتقدند تاثیر سخنرانی ها و کلمات حجازی بر رزمندگان کمتر از تاثیر گلوله هایی که از سوی رزمندگان بر سر دشمنان ریخته می شد نبود؛ حجازی یکی از پرنطق ترین نمایندگان مجلس بود که بیشتر صحبت هایش به دفاع مقدس اختصاص داشت.

لکن این شخصیت فعال و انقلابی، در دهه دوم انقلاب به تدریج از صحنه سیاسی کشور کناره گیری کرد به طوری که حرفی از وی در محافل سیاسی در میان نبود.



صبر کنید.^{۱۳}

در ماجرای استعفای نهایی رضایی از فرماندهی سپاه، به نقل قولی از سردار رحیم صفوی بسنده می‌کنیم، وی درباره خاطرات ۱۰ ساله خود از فرمانده سپاه می‌گوید: قبل از این جابه‌جایی (تغییر فرمانده سپاه) با دویست نفر از فرماندهان لشکرها و تیپ‌های سپاه در سال ۱۳۷۶ خدمت حضرت آقا رفتم و ایشان در آن زمان دست به شانه آقای رضایی گذاشتند و فرمودند هم‌اکنون هم اگر بخواهم برای سپاه فرمانده انتخاب کنم آقای رضایی را برمی‌گزینم؛ بعد از این ماجرا ظاهراً آقای رضایی باز هم نامه نوشتند و یا حضوراً خدمت مقام معظم رهبری رفتند و اصرار داشتند که با درخواست استعفای ایشان موافقت شود در حقیقت آقای رضایی خودشان را از مسئولیت سپاه کنار کشیدند حالا دلایلی برای خود حتما داشته‌اند که باید از خود ایشان سؤال شود. ولی باید گفت که حضرت آقا مایل بودند که ایشان به فرماندهی سپاه ادامه دهند.^{۱۴}

●●● استعفای محسن رضایی از فرماندهی سپاه بر خلاف خواست سران ارتش نظام

آقای رضایی فرمانده اسبق سپاه پاسداران، از ابتدا تا سال ۷۶ فرماندهی سپاه را بر عهده داشت، لکن بنا بر اسناد، ایشان چندین بار حتی در همان بجزوه سال‌های جنگ، استعفای خود از فرماندهی سپاه را تقدیم امام خمینی (ره) کرده‌اند که امام نیز با استعفای ایشان مخالفت کرده و به او می‌گویند: فعلاً به کار خودتان ادامه دهید.^{۱۱}

آقای هاشمی نیز در کتاب روزشمار سال ۶۷ خود می‌نویسند: عصر آقای محسن رضائی آمد. ناراحت است. کمی گریه کرد. دلداریش دادم. آماده استعفاء است؛ گفتم در سمت خود بماند.^{۱۲}

به هر جهت ایشان بعد از رحلت امام بار دیگر در سال ۷۳ نیز کتبا به مقام معظم رهبری استعفای خود را اعلام کردند لکن رهبری به ایشان فرمودند که فعلاً



■ آیت الله طاهری

استعفای آیت الله طاهری از امامت جمعه اصفهان به دلایل غیر قابل قبول

یکی دیگر از جریان های خستگی در تاریخ معاصر انقلاب، ماجرای استعفای امام جمعه اصفهان از این منصب است.

آقای طاهری در نامه استعفا و یا سرگشاده خود به خطاب به ملت و یا سران ارشد نظام، از مشکلات کشور به خصوص بی مهری به شخص آیت الله منتظری گله می کند و در آخر بدون هیچ نتیجه ای از کناره گیری خود از امام جمعه ای اصفهان خبر می دهد.

مقام معظم رهبری نیز در نامه خطاب به آیت الله طاهری از تک بعدی نگاه کردن ایشان به دیگران و عدم توجه به بیت خود انتقاد می کند و با کناره گیری ایشان موافقت می کنند.^{۱۵}



●●● عقب‌نشینی حجت‌الاسلام ناطق نوری و حجت‌الاسلام هاشمی بعد از فتنه ۸۸

به دنبال حوادث دهمین دوره ریاست جمهوری و فتنه ۸۸ بسیاری از خواص کشور، نه تنها از فتنه و حوادث آن براءت نجستند بلکه گاهی با سکوت و حتی با کنایه‌های خود، آتش فتنه را شعله‌ور کردند. از سوی دیگر، بسیاری از نخبگان و مسئولین سابق بنابر دلایل مختلف، در حمایت همه‌جانبه از نظام کوتاهی به خرج دادند.

حجت‌الاسلام ناطق نوری و هاشمی رفسنجانی از جمله مسئولینی بودند که بعد از حوادث فتنه نه تنها از جایگاه خود در حمایت همه‌جانبه از نظام استفاده نکردند، بلکه از مسئولیت‌های خود نیز کناره‌گیری

کردند.

آقای ناطق با خارج شدن از جامعه روحانیت مبارز، عملاً خود را از میدان سیاسی کشور خارج کرد و نسبتاً خود را در سکوت سیاسی قرار داد.

آقای هاشمی رفسنجانی نیز علاوه بر مواضع مبهم خود در فتنه ۸۸ و بعد از آن، نه تنها از جایگاه ویژه خود به عنوان رئیس تشخیصی مصلحت‌نظام در حمایت از نظام استفاده کافی نکرد بلکه با کناره‌گیری از شرکت در نماز جمعه تهران، بر شدت انتقادات و ابهامات افزودند، در حالیکه سران ارشد نظام اعلام کرده‌اند که معنی برای سخنرانی ایشان در نماز جمعه تهران وجود ندارد و ایشان هر زمان که اراده کنند، می‌توانند به عنوان امام جمعه موقت در نماز جمعه تهران شرکت کنند.



●●● دور کاری یا خانه نشینی آقای احمدی نژاد!!!

شاید یکی از آخرین مصادیق خستگی و کنار گذاشتن مسئولیت ها در تاریخ معاصر، ماجرای خانه نشینی، قهر و یا دوری کاری آقای احمدی نژاد در فرودین سال ۹۰ باشد.

به دنبال انتشار خبر پذیرفته شدن استعفای حجت الاسلام مصلحی از وزارت اطلاعات و انتشار خبر حکم حکومتی مقام معظم رهبری مبنی بر ابقای ایشان در سمت وزیر اطلاعات، اخباری مبنی بر عدم شرکت رئیس جمهور در ساختمان پاستور منتشر شد، اخباری که حاکی از دوری کاری ۱۱ روزه رئیس جمهور در منزل داشت.

فارغ از دلایل مختلف درباره دور کاری و یا خانه نشینی ۱۱ روزه رئیس جمهور وقت، تأکید این نوشتار بر مسئله کناره گیری مسئولان از مسئولیت های محول شده به آنها بوده است که در ماجرای فوق نیز برای اولین بار بعد از ناپدید شدن ۳ روزه میر حسین موسوی در سمت نخست وزیر جمهوری اسلامی آنها بعد از استعفای عجیب وی، رئیس جمهور یازده روز در محل کار خود حاضر نشود!!!